صدور انقلاب اسلامی و حمایت از فلسطین در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)

صدور انقلاب اسلامی و حمایت از فلسطین در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)

علی علیشاهی

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، بررسی صدور انقلاب اسلامی و حمایت از فلسطین در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره) میباشد. تأثیر شگرف ظهور انقلاب اسلامی ایران در نیمه دوم قرن بیستم که با طرح گفتمانی جدید با ماهیت و اهدافی مغایر با گفتمان های موجود در نظام بین الملل همراه بود، معادله سیاست و قدرت در نظام دو قطبی حاکم بر جهان را به چالش کشید. این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانهای و آرای توماس اسپریگنز و روش توصیفی-تحلیلی میکوشد به این پرسش پاسخ دهد که اهداف صدور انقلاب اسلامی و حمایت از فلسطین از منظر امام خمینی(ره) چیست؟ فرضیه نوشتار این است که امت محوری، حمایت و نجات محرومان و ستمدیدگان از چنگ استعمارگران و جهانخواران در جهت ایجاد امت واحده اسلامی یکی از مهمترین اهداف صدور انقلاب اسلامی میباشد. نتایج تحقیق بیانگر آن میباشد که اندیشهها و آموزههای اسلامی بر نگرش و تلقی حضرت امام(ره) و تعیین اهداف صدور انقلاب و حمایت از فلسطین تأثیر بسزایی داشته است. همچنین انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) خط بطلانی بر بسیاری از آرا و تئوریهای نظریهپردازان کشید و با معرفی چهرهی جدیدی از اسلام، سبب بروز تحولات و دگرگونیهای عظیم در دنیا گردید.

کلمات کلیدی: امام خمینی(ره)، انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، اندیشه سیاسی، توماس اسپریگنز، فلسطین.

مقدمه

با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به دنبال آن ناپدید شدن نظام دو قطبی جهان که با نام بلوک شرق و غرب شناخته میشد، یکی از بزرگترین وقایع سیاسی قرن بیستم در حال شکل گیری بود. وقوع انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب تمام عیار توانست نظریههای جدیدی را در عرصه بینالمللی به منصه ظهور برساند. تا هنگام وقوع انقلاب در ایران، این واقعیت بطور كلي رد میشد که اسلام هنوز هم میتواند به عنوان نیروي عمدهاي در جهان به رسمیت شناخته شود. برای اولین بار با انتشار مصاحبه حضرت امام در روزنامه لوموند فرانسه، افكار عمومي جهان به انقلاب اسلامي ايران و طلاب حوزه علميه تغییر کرد و پس از ترجمه سخنان ایشان به زبان آلماني و انگليسي و انتشار آن توسط دانشجويان مسلمان خارج از كشور توجه جهانيان بيش از پيش به انقلاب اسلامي جلب شد (حكيمي، بي تا، 23).

به زعم عادل عبدالمهدي-مدير مركز پژوهشهاي اسلامي فرانسه- امام خميني چهارده قرن را در اعمالش خلاصه كرد... در اين عصر جهان دچار تحول شده است و ارزشهاي جهاني در حال تغيير. غرب دچار فروپاشي تدريجي شده است و اسلام جلوهي خود را در جهان نشان داده است (حاجتي، 1382، 74). امام خميني فقط تئوريسين و نظريهپرداز نبود، بلكه ابزارهاي عملي را به كار گرفت و مهمترين نقش امام اين بود كه به تفكرات اسلامي جنبه عملي بخشيد. امام خميني روش واقعي را در زماني مناسب و در شرايطي خوب براي به كار گيري اسلام انتخاب و در خلق ارزشهاي نو نقش مهمي ايفا كرد (داستاني، 1386، 387). در هر روی، اگر بعد جهانی و پیامدهای انقلابها از جمله مهمترین معیارهای بزرگی آن دانسته شود، انقلاب اسلامی در ایران بی گمان بزرگترین انقلاب نیمه دوم قرن بیستم در جهان است. به بیان دیگر، بعد از پدیدار شدن انقلاب اسلامی در ایران، اسلام بار دیگر در عرصه جهانی مطرح شد و این انقلاب با حرکت خود نشان داد که جهان به جز قطبهای سیاسی میتواند دارای قطبهای مذهبی نیز باشد. مسئله مهمی که در اندیشه امام خمینی(ره) و عملکرد حرکت اسلامی در ایران قابل تأمل است موضع گیری ایشان در برابر مسأله فلسطین است. این موضع نشانگر آگاهی استراتژیکی و تاکتیکی بسیار مهم حضرت امام است که سایر حرکت های اسلامی می بایست در آن امعان نظر کنند. از آنجایی که ایدئولوژی انقلاب ایران منبعث از اسلام است به جرأت میتوان گفت که جهانشمولی اسلامی قویترین عامل برای صدور انقلاب بوده است.

این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانهای و اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی با توجه به آرای توماس اسپریگنز در پی پاسخ به این پرسش میباشد که اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک اصل اساسی

و مهم و همچنین حمایت از آرمان فلسطین از منظر امام خمینی(ره) چیست؟

پیشینه تحقیق

شایان ذکر است که ادبیات نسبتاً گسترده ای در زمینه صدور انقلاب اسلامی توسط نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی تولید شده است که ابعاد و جهات مختلف این مفهوم و پدیده را تجزیه و تحلیل کرده است. این پژوهش در پی پرداختن به چیستی و چرایی صدور انقلاب اسلامی و حمایت از آرمان فلسطین میباشد. از جمله مقالات و آثاری که در زمینه اندیشه سیاسی حضرت امام و همچنین گفتمان انقلاب اسلامی به رشته تحریر در آمده است می توان به مواردی اشاره کرد از جمله: مقاله «تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی ایران با گفتمانهای معاصر» نوشته سید علی مرتضوی امامی زواره و سارا جمالی (فصلنامه مطالعات افکار عمومی، 1394)، مقاله «استکبارستیزی و حمایت از مستضعفین در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و شهدای دانشجو» نوشته مجتبی باباخانی (فصلنامه رهآورد سیاسی، 1390)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیرگذاری و نمونهها» نوشته مرتضی شیرودی (مطالعات انقلاب اسلامی، 1388) و «ویژگی های همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» نوشته محمد حسین جمشیدی و ابراهیم ایرانزاد (فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، 1391).

صدور انقلاب

صدور انقلاب عبارت است از «سعی انقلابیون برای تبدیل پیام و رسالت بالقوه انقلاب به حالت بالفعل. انقلابیون میخواهند روح کلی انقلاب را که در کشورشان تجسم یافته است، به حرکت درآورند و پیامها و اهداف خود را در دیگر کشورها مجسم و علنی کنند. صدور انقلاب نقطه عطف در روند انقلابی است که امکان آشکار شدن تمامی پیامهای انقلاب را میسر میسازد و از این رهگذر انقلابیون انسجام خود را باز می یابند» (خلیلی، 1390، 49). برخی نیز صدور انقلاب را «برنامه، اقدام یا سیاستی که از طرف دست اندرکاران انقلاب در جهت تأثیرگذاری بر سایر جوامع اتخاذ میگردد» میدانند (فرزندی اردکانی، 1386، 101). در واقع بدین گونه انقلابیون تداوم انقلاب خود را تضمین مینمایند. برای تداوم انقلاب در داخل، میبایستی انقلاب به خارج صادر شود تا از تمرکز فعالیت ضد انقلاب و دشمنان در کشور کاسته شود و حلقه محاصره شکسته شود. از نظر امام خمینی(ره) اگر این نقطه‌ی کانونی دربسته بماند و محبوس مرزهای جرافیایی شود، شکست حتمی است (موسوی خمینی، 1379، ج12، 203). بدین‌ترتیب، صدور انقلاب موجب توسعهی مرزهای امالقرا میشود و از سویی باعث گسترش مرزهای قدرت نرم و سخت میگردد که پشتیبانی قابل اتکایی برای جمهوری اسلامی خواهد بود (حشمت زاده، 1385، 288). در مجموع، صدور انقلاب در نگاه

انقلابیون و همچنین به عنوان یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به معنای گسترش انقلاب به خارج از مرزهای شناخته شده ایران از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران با انگیزههایی از قبیل: تبلیغ و گسترش اسلام با اعتقاد به جهانشمول بودن دین اسلام، نفی استعمار و سلطه بیگانگان، تلاش برای تقویت پایههای وحدت و انسجام امت اسلامی در سطح جهان، حمایت از مستضعفین و مسلمانان جهان در مقابل حقارتها و سرکوبهای مردم کشورشان توسط بیگانگان با توجه به آموزههای دین اسلام. به زعم اندیشمند فرانسوی، روژه گارودي، انقلابي كه به رهبري امام خميني(ره) روي داد متعلق به تمدن بشري بود و به يك جامعه و ملت خاص اختصاص نداشت و همچون نهضت انبياء مختص به همه انسانها و همه جوامع است. از نظر گارودي، انقلاب اسلامي ايران نمونه جديدي از تكامل انساني و اجتماعی را ارائه داده كه اين الگو با ميراث روحي ملتها توافق دارد و اين نيز سبب دشمني غرب با اوست (مجرد، 1386، 88).

نظریه بحران توماس اسپریگنز

اسپریگنز در نظریه خود از چهار مرحله سخن میگوید که منجر به شکل گیری یک نظریه سیاسی میشود: مشاهده بحران، تشخیص علل آن، تصور بازسازی جامعه و به دست دادن راه حل.

بر اساس این مدل تحلیلی، اندیشه سیاسی، تلاش اندیشمندان برای حل مشکلات و بحرانهای جامعه است. بنابراین هر اندیشمند سیاسی همواره کار خود را از مشاهده نوعی بینظمی و مشکل آغاز میکند و پس از تشخیص آن، به جستجوی علل و ریشههایش میپردازد. در ادامه اندیشمند سیاسی شرایط مطلوب و جامعه بسامان خود را ترسیم مینماید و درنهایت راه حل خود را برای رفع مشکلات موجود در قالب آنچه هست و آنچه باید باشد عرضه میدارد. بنابراین اندیشمند سیاسی در پی یافتن علل بینظمیها و مشکلات و بحرانهای جامعه خود است و اندیشه سیاسی وی در واقع تبیین وضع موجود و ارائه راه حل برای مشکلات و به دست دادن الگو برای رسیدن به جامعه آرمانی است. اما مبانی نظری اندیشمند نیز در تحلیل وی از مشاهده وضع کنونی و ریشهیابی علل مشکلات نقش مهمی ایفا میکند. در واقع این مبانی نظری منجر به تصویری از جامعه آرمانی اندیشمند میشود تا وضع موجود جامعه را با آن بسنجد و درباره بحرانی بودن یا نبودن آن اظهارنظر کند (اسپریگنز، 1389، 53-43).

مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

با توجه به آرای اسپریگنز که مبانی نظری هر اندیشمند در تحلیل وضع موجود و بازسازی جامعه آرمانی وی مؤثر میباشد، در ابتدا به بیان اندیشههای حضرت امام پرداخته میشود.

اندیشه سیاسی حضرت امام از اعتقادات شیعی وی تأثیر پذیرفته و در این راستا اندیشه توحید، نبوت، معاد و بهویژه عدل و امامت در تفکر و نگرش وی نسبت به حکومتهای موجود و تصویر جامعه آرمانی ایشان اثرگذار بوده است (فوزی، 1387، 72). حضرت امام(ره) بر خلاف مادیگرایان که منبع شناخت را حس و تجربه میدانند، معیار شناخت در جهانبینی الهی خویش را اعم از حس و عقل میداند (موسوی خمینی، 1379، ج 21، 222). در جهانبینی وی هستی فراتر از عالم مادی است و جهان هستی اعم از ماده و روح بوده و خالقی دارد که با هدف معینی آن را آفریده است. بنابراین در جهت شناخت ماورای طبیعت علاوه بر استفاده از عقل و حس باید این شناخت از طریق وحی نیز صورت پذیرد (همان، 12-11). نگاه ایشان به انسان نیز ناشی از همین جهانبینی الهی است. در اندیشه امام(ره) انسان موجودی مختار میباشد که به دلیل برخورداری از قوه ناطقه و عقل میتواند بیندیشد و از سویی با توجه به برخورداری از آزادی توانایی تصمیمگیری و انتخاب راه را دارد. ازاین رو، عامل همه شکستها و پیروزیها و سعادت و شقاوت خود انسان است.

با توجه به این مبانی، حضرت امام سکولاریسم یا نظریه جدایی دین از سیاست را رد مینماید و سیاست را امری مقدس که باید به دین خدمت نماید، میداند. این جهانبینی بر نحوه نگرش وی در سیاست خارجی نیز مؤثر بوده و نفی سلطه بیگانگان یا تأکید بر اصل نفی سبیل، اصل نفی ظلم و ظلمپذیری، حفظ استقلال کشور و جلوگیری از وابستگی، دفاع از وحدت مسلمین و دفاع از مظلومان و مستضعفان ازجمله مهمترین رئوس اندیشه ایشان در سیاست خارجی است که میتوان با معرفی اسلام به سایر ملل بدان دست یافت که این اهداف از طریق صدور انقلاب به دست میآید.

صدور انقلاب از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. در عصری که عزت و شوکت اسلامی توسط استعمارگران و دشمنان اسلام پایمال گردیده و اخلاق و ارزشهای اسلامی به بوتهی فراموشی سپرده شده بود، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) به وقوع پیوست و فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی را به ارمغان آورد و بارقهی امیدی در دل میلیونها مسلمان در گوشه و کنار دنیا زنده کرد و باعث تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجد و عظمت دیرینهی جهان اسلام گردید.

یکی از عرصههایی که در اندیشه سیاسی امام(ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی بسیار حائز اهمیت میباشد، مسئله صدور انقلاب است. حضرت امام(ره) اعتقاد داشتند که مشکلات جامعه ایرانی و بشریت حل نخواهد شد مگر اینکه تمدنی مبتنی بر دین و افکار ناب شیعه در جمهوری اسلامی ساخته و به دنیا عرضه

شود و این تمدن برای امر ظهور موعود و فرا رسیدن پایان خوش تاریخ بشریت زمینه سازی کند.

مراحلی که امام(ره) برای صدور انقلاب در فراسوی مرزهای ایران اسلامی مد نظر داشت این بود که یک حوزه فکری برگرفته از افکار ناب شیعه شامل تعاریف بنیادین زندگی، هستی، خوشبختی، سعادت و سایر اهداف زندگی برای همه انسانها ارائه شود به گونهای که همه بتوانند آن را بفهمند و در صورت تمایل انتخاب کنند. در نظر ایشان انقلاب ایران، گذشته از خصوصیات مشترکی که با سایر انقلابها دارد، دارای ویژگیها و عناصر مخصوص به خود است. ایشان مبنا و منشأ انقلاب ایران را دینی میدانستند، که در تمامی مراحل، اندیشه اسلام را به عنوان تابلویی راهنما، در مقابل خود میبینند. چنین ویژگی باعث شده که مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران، با سایر انقلابهای بزرگ دنیا ازجمله انقلاب فرانسه و روسیه در انگیزه، پیدایش و طی مراحل خود متفاوت باشد. از همین رو امام خمینی(ره) میفرماید: «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام» (موسوی خمینی، 1388، 7).

-مسئله صدور انقلاب اسلامی در نگاه معمار کبیر انقلاب امری مسلم و تکلیفی دینی به شمار میآید که می بایست با شناخت عمیق و همه جانبه از اسلام و ابعاد انقلاب اسلامی و همچنین آگاهی و بصیرت کامل به شرایط زمانی و نظام حاکم بینالمللی و بعلاوه شناخت دشمنان اسلام و ابعاد و شیوههای دشمنی آنان، با هدف حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و عمقبخشی و گسترش پهنه انقلاب اسلامی در داخل و خارج از ایران صورت پذیرد و بر این اساس همواره بر صدور انقلاب با شیوههای جامع و کارآمد تأکید میکردند چنانچه فرمودند:

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر میکنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا ا و محمد رسول الله(ص) بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (موسوی خمینی، 1379، ج12، 148) و در جای دیگر میفرمایند: «ما به تمام جهان تجربههایمان را صادر میکنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال میدهیم و مسلماً محصول صدور این تجربهها، جز شکوفههای پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند نیست» (موسوی خمینی، 1379، ج20، 325).

صدور انقلاب در نگاه حضرت امام خمینی به عنوان ایدئولوگ بزرگ انقلاب اسلامی به معنای صدور ارزشها، آرمانها و تجربیات انقلاب اسلامی همچون استقلال، نیل به خصلتهای انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنجدیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم و تبعیضها و نژادگرایی است

(موسوی خمینی، 1379، ج4، 188). در نگاه وی، یکی از برکات صدور انقلاب اسلامی ایران تحکیم اخوت اسلامی و ایجاد و تقویت وحدت در میان مسلمانان است. چرا که این انقلاب با طرح مجدد قرآن و با الهام از سیرهی شریف نبوی شالودهی وحدت اسلامی، الگوی همبستگی و وحدت مسلمانان را پایهریزی کرد. از این رو، امام خمینی(ره) از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، مردم مسلمان جهان را به یکپارچگی و وحدت در برابر حاکمان جور و دشمنان اسلام دعوت نمودند و سند عزت و پایداری ملل مسلمان را وحدت کلمه و توحید کلمه دانسته و فرمودند: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید. بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید» (موسوی خمینی، 1379، ج13، 83).

حمایت از مستضعفین نیز یکی از برجستهترین اهداف صدور انقلاب بوده است. چنانچه حضرت امام(ره) در سال اول انقلاب در پیام خود مبنی بر صدور انقلاب صراحتاً اعلام میدارند که: «ملت آزاده ایران هم اکنون از ملتهای مستضعف جهان در مقابل آنان که منطقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی مینماید. ما از تمام نهضتهای آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه میکنند پشتیبانی میکنیم» (موسوی خمینی، 1379، ج11، 259) و در جای دیگر حمایت از ملتهای محروم را در ردیف اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برشمرده و میفرمایند: «من به صراحت اعلام میکنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایهگذاری میکند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاهطلبی و فزونطلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامهریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم...» (همان).

همچنین حضرت امام(ره) ضمن اشاره به وعده الهی مبنی بر پیروزی نهایی مستضعفین، انقلاب ایران را به عنوان الگوی مبارزه معرفی نموده و وحدت را رمز پیروزی مستضعفین میداند. در اندیشه ایشان، پیروزی نهایی زمانی است که اسلام بر تمام دنیا حکومت کند. وی در این خصوص در جمع مسلمانان پاکستانی و هندی مقیم ایران، در قم اظهار میدارند:

«ما امید آن داریم که همه اقشار مستضعف به هم بپیوندند... با این نهضت -نهضت مستضعف در مقابل مستکبر- در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملتهای مستضعف باشد.

ملتهای مستضعف ببینند که ایران با دست خالی و با قدرت ایمان و با وحدت کلمهی تمسک به اسلام، در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاد و قدرتهای بزرگ را شکست داد. سایر اقشار ملتها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین به پا خیزند؛ بلکه مستضعفین به پا خیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است» و میفرماید: «ما منت بر مستضعفین میگذاریم که آنها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصباند، مستکبرین باید از میدان خارج شوند. ما مستکبرین ایران را از صحنه بیرون کردیم، و به جای آن مستضعفین نشستند... پیروزی نهایی وقتی است که اسلام- با همه ابعاد و با همه احکامش- در ایران پیاده شود و پیروزی بالاتر آنکه در همه اقطار عالم، اسلام حکومت کند» (موسوی خمینی، 1379، ج7، 292-293). حضرت امام خمینی(ره) صدور انقلاب را در راستای اصل دعوت به اسلام میداند چرا که امت مسلمان در کنار عزت و احترام کشور خود، نباید فراموش کنند که این عزت و اقتدار، تمامی مسلمانان را در معرض مسئولیت قرار میدهد تا پیام هدایت حضرت خاتم الانبیاء(ص) را به سایرین برسانند و آنان را به سوی سعادت مد نظر اسلام دعوت نمایند. به عنوان نمونهای برجسته از دعوت به اسلام در زمان حیات امام خمینی(ره) میتوان پیام ایشان به گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق اشاره کرد. ازنظر سیاست خارجی استفاده از فرصت تاریخی جهت ابلاغ پیام الهی اسلام، برقراری رابطه معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل نه شرقی نه غربی، تأکید بر مبارزه با استکبار در اشکال و چهرههای مختلف از آن و با اهمیتتر از همه، دعوت به اسلام ازجمله ویژگیها و نکات برجسته پیام امام خمینی(ره) به گورباچف است (دهشیری، 1371، 239).

وی در خصوص هدف نهایی صدور انقلاب میفرمایند: «مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند» (نوازنی، 1388، 31). از این سخن امام میتوان اینگونه برداشت کرد که استقلال ممالک اسلامی عنصر اصلی حفظ ارزشهای اسلامی در دنیای معاصر است. نظر حضرت امام درباره استقلال و آزادی و وظیفه ما در قبال آن این است که «ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم، ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال میدانیم. دستورات مذهبی را که مترقیترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است. ما با آن دستورات و تحت رهبری بزرگمرد دنیا محمد، با تمام قدرتهایی که بخواهند تجاوز کنند به مملکت ما مبارزه خواهیم کرد. امروز مثل روزهای سابق نیست که یک نفر بر یک امت سلطه داشته باشد و این یک نفر هم دست نشانده اجانب باشد و بخواهند به مملکت ما با دست او خیانت و تجاوز کند» (موسوی خمینی، 1379، ج13، 181).

همچنین ایشان نعمت آزادی را امانتی از سوی خداوند دانسته که میبایست صرف گسترش اسلام و صدور ارزشهای اسلامی گردد. چنانکه میفرمایند؛ «ما الان آزاد هستیم، آزادی یک نعمت بزرگ الهی است. یا در این موقع که آزاد هستیم، ببینیم که از این آزادی آیا سوء استفاده میکنیم یا استفاده مشروع؟ آزادی یک امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرد، آیا این امانتی که خدای تبارک و تعالی به ما داد و ما را آزاد کرد، با این آزادی چه میکنیم؟ آیا آزادی را صرف صلاح ملت و اسلام میکنیم؟ یا آزادی را صرف جهاتی که برخلاف مسیر نهضت و بر خلاف رضای خداست؟ اگر ما آزادی را در مسیر خودش برای صلاح ملّت، برای صلاح اسلام، در خدمت کشور، از این آزادی استفاده کردیم، از امتحان درست بیرون آمدهایم» (موسوی خمینی، 1379، ج7، 215). با توجه به بیانات امام در باب آزادی باید توجه داشت که یک ملت باید به حدی از تفکر برسد تا بتواند با آزادی، ارزشهای اصلی خود را مشخص کند و در پناه این ارزشها به سعادتی که مد نظر اسلام است دست یابد و آن را گسترش دهد.

همچنین امام با توجه به اصل نفی سلطه بیگانگان که در قرآن کریم به صراحت بیان شده است (و لن یجعل ا للکافرین علی المومنین سبیلا) سیاست نه شرقی نه غربی را مطرح مینماید و در مورد مفاد و مصادیق قاعده نفی سبیل مینویسد: «ممکن است بگویم قاعده نفی سبیل وجه سیاسی دارد و در مقام توجه دادن مسلمانان به این امر مهم که لازم است از سلطه کافران به هر وسیله ممکن خارج شوند؛ زیرا تسلط آنان امر محتوم و تقدیر الهی نیست تا تسلیم به آن لازم باشد. بلکه رضایت دادن به این سلطه ذلت و ظلم است و خداوند از این بری است: فان العزه للّه و رسوله» (موسوی خمینی، 1368، ج2، 725) ایشان در جای دیگر ضمن تأکید بر این اصل قرآنی و در مقام بیان اینکه زمینه سازی برای سلطه و حاکمیت اجانب حرام و خیانت به اسلام است میفرمایند: «در هر حال شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از کشور است و هر کس و در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما چه با صراحت و چه به وسیله طرحهایی که لازمهاش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازهای باشد خائن به اسلام و کشورهای اسلامی است». ایشان دربارهی لزوم مبارزه با عواملی که موجب سلطه کافران میشود، میفرماید: «وظیفه مسلمانان نفی سلطه فرهنگی اجنبی و نشر فرهنگ غنی اسلام است» (غلامی، 1388، 151). رویکرد امام نسبت به نظام بینالملل و جهتگیری وی نیز ناشی از اعتقاد به همین اصل حیاتی بود. از نظر امام حیطه شمول اصل نفی سبیل محدود به ایران نیست، بلکه سلطه هر قدرتی را بر امور مسلمین نفی میکند. وی در خصوص صدور انقلاب، نفی سلطه بیگانگان را یکی از اهداف اساسی بیان نموده و میفرمایند: «اینکه میگوییم انقلاب ما باید به همه جا صادر بشود این معنی غلط از او برداشت نکنید که میخواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمان را از خودمان میدانیم، همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما میخواهیم -این انقلاب را، انقلاب فرهنگیمان را، انقلاب اسلامیمان را به همه ممالک اسلامی صادر بکنیم. ما می خواهیم این بیداری که در ایران واقع شد و از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن

خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و همه دولتها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها به باد میرود و خودشان به نحو فقر زندگی میکنند نجات بدهند» (موسوی خمینی، 1379، ج13، 281).

یکی از نشانگان ریشه و بنیاد اسلامی صدور انقلاب، اثرات آن بر هدف و انگیزهی صدور انقلاب، از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران میباشد. بدین ترتیب انگیزههای دینی حضرت امام(ره) از طراحی گفتمان صدور انقلاب از بیانات فوق آشکار میگردد. از دیدگاه حضرت امام(ره) وفاداری به ارزشهای والای اسلام و عمل به آنها در اولویت قرار دارد و اسلام دین تمامی ابناء بشر است. پس اعتقاد به ارزشهای اسلامی مبین نوعی احساس مسئولیت نسبت به جامعه جهانی است. نفی فرهنگها و ارزشهای مادی که الگوی حکومت در غرب و شرق میباشد و نیز مبارزه با کجرویها، توطئهها و آگاهی دادن به ملتها در مضار چنین فرهنگهایی، نوعی احساس مسئولیت دائمی در قبال جامعه جهانی است. لذا در این دیدگاه بستن مرزها و اسیر شدن در قیودات لازم نظیر توسعه و رشد ملی بدون توجه به سرنوشتهای ملتها نفی میشود و هرگونه رشدی در داخل درگرو تلاش برای رشد سایر ملتهاست. ماهیت اصلی این تفکر مبنی بر نفی ظلم و ظلمپذیری، نفی سلطه و سلطهگری و نفی سکوت و برخورد انفعالی است.

از دیدگاه امام(ره) تنها در صورتی میتوان الگوی مناسبی برای ملتها گردید که آنها حس کنند در قبال مسائل و معضلاتشان احساس مسئولیت انقلابی وجود دارد. بنابراین مخاطب انقلاب اسلامی، ملتها هستند و هدف آگاهی دادن به آنهاست. در این قالب، مفهوم صدور انقلاب با اتخاذ خط مشی روشنگرانهای که ملتها خود در تغییر سرنوشت خویش اقدام نمایند کاملاً عجین گشته است و حرکتهای نظامیگرایانه که مستلزم اخذ تصمیم و اقدام به جای ملتها باشند به کلی نفی میشود. حضرت امام(ره) نه تنها به انگیزهها و اهداف دینی سیاست صدور اشاره میفرمایند بلکه از شبههها و تردیدهایی که ممکن است درباره انگیزههای صدور انقلاب پیش آید سخن میگویند تا اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلابها یکسان پنداشته نشود؛ «... ما تعددی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد... و نباید بکنیم و تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم...» (روزنامه اطلاعات، 1359).

حضرت امام خمینی(ره) انقلاب اسلامی را فقط مختص کشور ایران نمیداند بلکه آن را نهضتی در مقابل مستکبران دنیا معرفی میکند و امید دارد که درنهایت احکام اسلام در همه جا پیاده شود و همه ملتها بیدار شده و در راستای تحقق اهداف اسلام قیام کنند (موسوی خمینی، 1379، ج10، 287). ایشان همچنین اسلام را دینی جهانشمول میداند که اگر انسانها آن را شناسایی نمایند دردهای مزمن بشر درمان خواهد

گشت. «اکنون از شما میخواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهانشمول اسلام است که میتواند وسیله راحتی و نجات ملتها باشند و گره مشکلات اساسی بشریت را باز کند» (موسوی خمینی، 1379، ج21، 221). ایشان هدف نهایی بحث صدور انقلاب را در راستای اهداف انبیاء و زمینهسازی برای تشکیل حکومت جهانی اسلام میداند و در این باره میفرماید؛ «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم [ایران] بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند» (موسوی خمینی، 1379، ج21، 327).

-با توجه به اهداف حضرت امام نسبت به گفتمان صدور انقلاب دیدگاه ملیگرایان به دلیل تأکید بر درون مایههای غیر دینی و استفاده از آنها در کنار ارزشهای اسلامی به صورت آشکار مورد نفی امام قرار میگیرد: زیرا اعلام صریح امام مبنی بر قطعی بودن صدور انقلاب و یادآوری این نکته که ما نسبت به ملتها و بهویژه مسلمانان بر اساس آموزههای اسلام مسئولیت داریم، بیانگر رد صریح و روشن این دیدگاه محسوب میشود.گروه دوم نیز به دلیل اندیشه و اقدامات افراطی و نادیده گرفتن سازوکارهای حاکم بر تعاملات مناسب بر جوامع (همچون مرزهای سیاسی)، مطرود امام هستند. برگزیدن راه و روش صرفاً نظامی و اقدامات چریکی و پارتیزانی و بیتوجهی به حرکتهای مردمی مبتنی بر آگاهی و بیداری و شناخت مناسب از تعاملات محیطی که ویژگی این دیدگاه میباشد، از سوی امام خمینی شیوه غیر ممکن و نادرستی به حساب میآید. دیدگاه سوم به دلیل فرصتطلبی و استفاده ابزاری نسبت به موضوعی که باید مبتنی بر احساس مسئولیت و وظیفهشناسی باشد، از سوی امام نفی میشود (نوازنی، 1388، 16-15). بنابراین بر اساس نظریات امام خمینی، صدور انقلاب در جهت حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، پشتیبانی از نهضتهای آزادیبخش و مبارزه با استکبار جهانی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی است و تحقق و تأمین این آرمانها باید با رعایت مصلحت اسلام و مسلمین صورت پذیرد. با توجه به رهنمودهای معمار کبیر انقلاب، هدف از صدور انقلاب اسلامی عبارتند از:

1- معرفی اسلام، آنگونه که هست؛ چرا که اسلام از اهداف غایی خود در طول سالیان متمادی دور شده است

2- گسترش معنویت موجود در ایران و پیاده نمودن توحید ناب در بین ملل اسلامی.

3- کم کردن سلطه جهانخواران و به ارمغان آوردن استقلال و آزادی جهت ملتهای مظلوم ازجمله ملت مظلوم

فلسطین. «من امیدوارم که نهضت اسلامی ایران، که با ابعاد گسترده اش بی سابقه در طول تاریخ است، در کنار برادران مسلمان فلسطین به آرمان های انسانی و اسلامی خود برسند و بیرق ظلم و جنایت را برای همیشه سرنگون و پرچم باعظمت اسلام را در اهتزاز در آورند.» (موسوی خمینی، 1379).

4- مبارزه با کفر و شرک و ظلم ظالمان با ایجاد بستری دینی. «امیدوارم که مسلمان ها روز قدس را بزرگ بشمارند و در همه ممالك اسلامی، در روز قدس، در روز جمعه آخر ماه مبارك، تظاهر کنند، مجالس داشته باشند، محافل داشته باشند، مسجد داشته باشند، در مساجد فریاد بزنند. وقتی یك میلیارد جمعیت فریاد کرد، اسرائیل نمی تواند، از همان فریادش می ترسد. اگر همه مسلمینی که در دنیا الآن هستند، که قریب یك میلیارد هستند، اگر در روز قدس، همه بیرون بیایند از خانه، فریاد بکنند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر شوروی»، همین قول «مرگ بر شوروی» برای آنها مرگ می آورد.» (همان).

5- آشتی دادن بین ملتها و دولتها در راستای ایجاد وحدت و همگرایی.

6- بیداری ملتها با ایجاد زمینه شناخت اسلام ناب محمدی(ص) و تفکیک آن از اسلام آمریکایی.

7- آشنا ساختن ملل اسلامی و مستضعفین جهان با اسلام و حکومت عدل اسلامی جهت تحقق عدالت.

8- نورافشانی نور اسلام در جهان با توجه به اصل جهانشمولی اسلام.

امام خمینی و حمایت از آرمان فلسطین

یکی از اقدامات مهمی که امام خمینی (ره) در خصوص احیای آرمان فلسطین در سطح جهانی انجام دادند طرح روز جهانی قدس و فرمان اجرای آن در بهترین موقع زمانی یعنی ماه رمضان و نزدیک تر شدن امت اسلامی بود که تأثیرات مثبتی در داخل فلسطین اشغالی و در سطح دنیای اسلام و کشورهای مختلف جهان بر جای گذاشت. امروزه این میراث گرانقدر امام راحل همچنان پر شکوه و عظمت آن افزوده می شود. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با سیره عملی و نظری خود جنبش های اسلامی به خصوص جنبش اسلامی فلسطین را احیاء و مسلمانان جهان را در راه آن بسیج نمودند. امام راحل همچنین با هرگونه سازش در خصوص آرمان های اسلامی از جمله آرمان مقدس فلسطین مخالفت جدی می نمودند که این خود باعث افزایش روحیه مقاومت، ادامه جهاد و باقی ماندن نور امید در دلهای مسلمانان مبارز خصوصا ً فلسطینیان مظلوم و مستضعف می

شد. حضرت امام به مناسبت های مختلف در راستای عمل به تکلیف شرعی خود بر حمایت مادی و معنوی تمام ملل اسلامی از حماسه مردم فلسطین در راه آزادی قدس شریف تأکید فرموده اند که به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد: «روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد» (همان).

«روز قدس که همجوار شب قدر است لازم است که در بین مسلمانان احیا شود و مبدأ بیداری و هوشیاری آنان باشد، و از غفلت هایی که در طول تاریخ خصوصاً سده های اخیر شده است بیرون آیند تا آن روز هوشیاری و بیداری از دهها سال ابرقدرتها و منافقان جهان والاتر باشد، و مسلمانان جهان مقدرات خود را خود به دست قدرت خود پی ریزی و پایه گذاری کنند» (همان).

«من از سالهای طولانی راجع به اسرائیل و راجع به جنایات او همیشه در خطبه ها، در نوشته ها، گوشزد کرده ام به مسلمین که این یك غده سرطانی است در یك گوشه ممالك اسلامی، و اینطور نیست که اکتفا بکند به همان «قدس» و اینها، اینها بنایشان بر این است که پیش بروند؛ یعنی اینها تابع سیاست آمریکا هستند. آمریکا هم آمالش فقط یکجا نیست، چنانچه همه ابر قدرتها می خواهند همه ممالك را تحت سیطره قرار بدهند.» (همان).

«مسئله قدس یك مسئله شخصی نیست، و یك مسئله مخصوص به یك کشور و یا یك مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجد الاقصی پی ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است.» (همان)

«روز قدس یك روز جهانی است. روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملت هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، در مقابل ابر قدرتهاست. روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاك بمالند.» (همان).

«امروز همه قدرت ها و ابرقدرت ها دست به دست یکدیگر داده اند که نگذارند فلسطيني های مسلمان به هدفشان برسند. حتی بسیاری از کسانی که به ادعا، نسبت به فلسطيني ها اظهار علاقه می کنند، علاقه شان به این نیست که مسلمانان فلسطینی بر اسرائیل غلبه کنند و متأسفانه با سکوت و سازش و تماشا دست به هم داده اند که نگذارند مسلمانان فلسطین پیروز بشوند؛ چرا که پیروزی آنان پیروزی اسلام است.» (همان)

«اسرائیل غاصب است و هرچه زودتر باید فلسطین را ترك کند. و تنها راه حل این است که برادران فلسطینی هر چه زودتر این ماده فساد را نابود گردانند و ریشه استعمار را در منطقه قطع کنند، تا آرامش به منطقه بازگردد.» (همان).

نتیجهگیری

پیروزی انقلاب اسلامی به معنای صدور پیام و ارزش های آن و به حرکت در آمدن موجی از خیزش های رهایی بخش در کشورهای اسلامی و جهان سوم بود، امواج این انفجار بزرگ رژیم های وابسته به غرب را در ممالک اسلامی و بلاد عربی متزلزل و بیمناک کرده بود. پیام اصلی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ماهیتی فرهنگی داشت و مبتنی بر اندیشه دینی و ارزش های معنوی بود که در این میان، حمایت از فلسطین و مردم بیگناه آن سرزمین نقشی برجسته و پررنگ دارد. از مشخصهی اصلی انقلاب ایران، هویت اسلامی آن بوده که مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلام است و در قلب مستضعفین جهان امید و در دل قدرتها ترس و وحشت ایجاد کرده است.

یکی از شباهتهای عملکردی پس از پیروزی انقلابهای دنیا، تلاش و اصرار برای صدور انقلاب میباشد. بدین معنا که انقلابیون پس از مدتی کوتاه درصدد برمیآیند که ارزشهای موجود در انقلاب خود را به سایر نقاط جهان تسری دهند تا بدینوسیله تداوم انقلاب خود را تضمین نمایند. از اینروی، یکی از عرصههای مورد توجه حضرت امام خمینی(ره) به عنوان ایدئولوگ بزرگ انقلاب، مسئله صدور انقلاب بوده است. در نگاه ایشان صدور انقلاب به معنای صدور ارزشها، آرمانها و تجربیات انقلاب اسلامی به سایر کشورهاست.

این پژوهش با تکیه بر نظریه توماس اسپریگنز بر این عقیده است که اختلاف نظر در بحث صدور انقلاب توسط گروههای مختلف، باعث گردید که خط مشی صدور انقلاب با تأکید امام خمینی و با رعایت مصلحت و در نظر گرفتن تعاملات موجود به عنوان اصلی اساسی مطرح گردد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران با سایر مکاتب و انقلابها متفاوت است، چرا که جایگاه حضرت امام خمینی(ره) به عنوان رهبر و مجتهدی دینی بر اهداف صدور انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی داشته است. از مهمترین اهداف صدور انقلاب اسلامی میتوان به مقابله با ظالمان، ایجاد امت اسلامی، پیاده سازی احکام اسلام، استقلال و آزادی سایر ملل، گسترش معنویت موجود در ایران به اقصی نقاط جهان، نفی سلطه بیگانگان و حمایت های پیاپی از فلسطین اشاره کرد. حضرت امام در راستای رسیدن به این اهداف وحدت را رمز پیروزی معرفی مینماید. در همین خصوص حضرت امام خمینی در بازکاوی مشکلات جامعه با تأثیر از مبانی نظری و جامعه آرمانی خود، ریشههای بحران و مشکلات را در جوامع اسلامی، دور شدن از اندیشههای اسلامی میداند و

بازگشت به اسلام راستین را تنها راهحل نجات مسلمین برمیشمارد. در اندیشه وی تلاش در جهت ایجاد وحدت، مکانیزم اجرایی و عملیاتی ایجاد جامعه آرمانی است که امت واحد اسلامی نامیده میشود و راه تحقق این امر ایجاد زمینه جهت آشنایی سایر ملل با اسلام و انقلاب از طریق صدور انقلاب اسلامی است. در این راستا امام(ره) صدور انقلاب را با توجه به محتوای دینی، انقلاب، شرایط و امکانات درون کشور امری حتمی و تکلیفی دینی دانستند که میبایست در جهت ایجاد وحدت مسلمانان و زمینه سازی ظهور حضرت حجت(عج) انجام پذیرد.

منابع

اسپریگنز، توماس، (1389)، فهم نظریههای سیاسی،ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگه.

حاجتی، میراحمد رضا، (1382)، عصر امام خمینی(ره).، قم: بوستان کتاب.

حشمت‌زاده، محمد باقر، (1385)، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حکیمی، محمود، (بی تا)، درباره انعکاس انقلاب اسلامی ایران در مطبوعات جهان، قم: تشیع.

خلیلی، محسن، (1390)، «مقایسه مفهوم انقلاب در انقلاب فرانسه و روسیه»، جستارهای سیاسی معاصر، سال دوم، شماره اول.

داستانی بیرکی، علی، (1386)، امام خمینی از نگاه نخبگان جهان، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

دهشیری، محمدرضا، (1371)، مقدمهای بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

روزنامه اطلاعات، (1359).

غلامی، محمد، (1388)، بررسی فقهی و حقوقی قاعده نفی سبیل، مشهد: شاملو.

فرزندی اردکانی، عباس علی، (1386)، «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب)»، پژوهشنامه متین، شماره 36، 118-97.

فوزی، یحیی، (1387)، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، قم: نشر معارف.

مجرد، محسن، (1386)، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بینالملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

موسوی خمینی، روح ا، (1368)، تحریر الوسیله، جلد دوم، قم: انتشارات دارالعلم.

موسوی خمینی، روح ا، (1379)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

موسوی خمینی، روح ا، (1388)، وصیتنامه سیاسی-الهی امام خمینی(ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

نوازنی، بهرام، (1388)، صدور انقلاب اسلامی، زمینهها و پیامدهای بینالمللی آن، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.